

«هو الحکیم»

عنوان:

بررسی آیات مخالفین بر رد رجعت



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسِرِ الْمَوْلَانِ



『@SERATEHAGHI』



ما يك سري آياتي داريم كه بيان كرده در اين آيات جمعي وقتي مي ميرند اينها برنمي گردن. وقتي سياق آيات هم نگاه بكنيد يعني برنمي گردند براي اينكه دوباره امتحان بشن! يعني يكبار فرصت بيشتر براي امتحان نيست! دوباره اينها براي امتحان برنمي گردن! اگر چنانچه بحث رجعت مطرح مي شه، اون جمعي از بدان كه برمي گردن براي امتحان مجدد برنمي گردن! اينها برمي گردن كه در اين دنيا مجازات بشن! در اين دنيا تويخ بشن! در اين دنيا مذمت و عذاب بشن! پس اين آيات، منافاتي نداره! اون جهت آياتي كه گفته برنمي گردن با بحث رجعت كه حالا جمعي كه ماحض كفر باشن بخوان برگردن، برنمي گردن از باب امتحان مجدد برنمي گردن. جمعي برمي گردن از باب عذاب و تويخ و مجازات در اين دنيا برمي گردن. مثلاً ببينيد دو تا آيه آورده شده كه از سوره ي مباركه ي يس هست آيه ي ۳۱ و ۳۲:

﴿الْمُ يَرَوْنَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾  
 آيا نديديد چقدر از اقوام پيشين از آنان را هلاك كرديم؟ آنها هرگز به سوي ايشان باز نمي گردند. داره چه كساني رو مطرح مي كنه؟  
 كساني كه هلاك شدن؛ اينها برنمي گردن. اين يك آيه.



آیهی ۳۲ یس:

﴿وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ﴾

و نیستند آنان مگر اینکه همگان نزد ما حاضر می‌شوند. حالا ببینید اینجا شبیه همین آیه‌ای که گفتیم کسی که مخالف رجعت هست، گاهی از این آیات استفاده کرده می‌گه خب حالا بر نمی‌گردن، حالا بر نمی‌گردن برای امتحان، می‌گه پس رجعت هم برگشت هست دیگه! پس رجعت خلاف قرآن هست! چنین حرفی زده. می‌خوایم بگیم از این سری آیات ما داریم، بعد می‌گیم که خب يك آیات دیگه هم صریح داریم که جمعی برمی‌گردن. حالا در صفحه‌ی ۹۹۲ (کتاب بیان الفرقان)، اینگونه شد که: «حال که واضح شد، این بیانات در تفسیر آیه تفسیر به رأی است». یعنی اینکه از این آیات استفاده کردن که مطلق رجعت رو انکار بکنن. «گوییم این آیه و آیه‌ی سوم که به آن استدلال کرده، ابدأ مربوط به انکار رجعت نیست. قوله

تعالی

﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾

این در سوره‌ی مبارکه‌ی جاثیه آیه‌ی ۲۴ هست، ترجمه‌ی آیه اینه که: «و گفتند: جز همین زندگی دنیا، زندگی دیگری نیست، می‌میریم و زنده می‌شویم.»



آیهی بعدی:

﴿وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ﴾

در ادامه‌ی آیه:

﴿مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتَّبُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾

قسمت اول آیه:

﴿وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ﴾

و هنگامی که آیات روشن ما بر آن‌ها خوانده می‌شود، دلیلی در برابر آن ندارند جز این که می‌گویند اگر راست می‌گویید پدران ما را زنده کنید یا بیاورید. برخورداری که می‌کنن می‌گن آقا شما اگه راست می‌گی پدران ما رو می‌آوردید. می‌آمدن پیش پیامبر، صحبت از مرگ می‌کرد و اینکه بالاخره قیامت‌ی هست، می‌گفته خب حالا شما می‌گی این حرف‌ها هست دیگه! زنده هست! شما پدر من رو زنده کن! این‌جا اومده گفته که بنا نیست که هر چی که شما بخواید اتفاق بیفته که! کما اینکه موجبه جزئیه مواردی بوده‌ها، خواستن و زنده هم کردن! احیاء اموات داشتیم. در سوره‌ی مبارکه‌ی جائیه آیه‌ی ۲۶: خداوند شما را زنده می‌کند سپس می‌میراند. بار دیگر در روز قیامت که در آن تردیدی نیست گردآوری می‌کند، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. ایشان (علامه شیخ مجتبی قزوینی) می‌فرمایند به این مفاد، آیات متعدد هست.



«توضیح:

آیا آیات در مقام جواب از تقاضاهای کفار و منکرین انبیاء علیهم السلام وارد شده، پس از آن که انبیاء علیهم السلام مردم را به مبدأ و معاد دعوت می کردند و می فرمودند که پس از مردن ارواح در عالم دیگر، متنعم و معذب می باشند و بهشت و دوزخی است مردم تکذیب می کردند، می گفتند اگر شما راست می گوئید پدران و گذشتگان ما را زنده کرده برگردانید! انبیاء به وحی الهی می گفتند پدران شما برای زندگی در این دنیا به میل شما بر نخواهند گشت، چنانکه بسیاری از مردم قرون گذشته و اهل عذاب را هلاک کردیم و برنگشتند». اینها می گه بر نمی گردن، یعنی به میل شما بر نمی گردن! پیامبر وقتی می گفته معادی هست، برزخی هست، عذابی هست، نعمتی هست، می گفتن خیلی خب! یعنی پدران ما الان زنده ان اونجا؟ پیامبر می گفتن بله! معادی هست، می گه یعنی پدران ما برانگیخته می شن؟ پیامبر می گفتن بله!

خب می گه اگه شما راست می گی واقعاً پدران ما زنده ان، الان پدران ما رو زنده کن!



آیاتی اومده می‌گه که آقا بنا نیست که چون شما بگید پدران شما رو ما بخوایم زنده بکنیم! این در بیان این نیست که کلاً کسی زنده نمی‌شه! به گفته‌ی شما بنا نیست که ما پدران شما رو زنده کنیم! و ما می‌بینیم که سیاق آیات هم همین رو داره نشون می‌ده. آیه‌ی دیگه؛ سوره‌ی مبارکه‌ی مؤمنون آیه‌ی ۹۹ و ۱۰۰: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ﴾

این افراد که همچنان به تعبیری به راه غلطشون ادامه می‌دادن ترجمه‌ی آیه اینه: تا زمانی که مرگ یکی از ایشان فرا رسد می‌گوید؛ پروردگار من، مرا بازگردانید! وقتی این‌ها قبض روح می‌کنن می‌فهمه اوضاع خرابه، می‌گه خدایا من رو دوباره برگردون!

﴿لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ﴾

شاید در آنچه ترك كردیم عمل صالحی انجام دهیم، ما گناه کردیم حالا ما را خدایا برگردون که ما دوباره عمل صالحی انجام دهیم. ولی به این‌ها چی گفته می‌شه؟ چنین نیست! کلاً! هرگز! این سخنی است که او به زبان می‌گوید و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.



یعنی يك جهتی كه می گه اون طرف وقتی می میره می گه من رو برگردون، می گه برگشته نمی شه، این طرف استفاده کرده می گه پس رجعت وجود نداره!

و مجمع البیان جناب طبرسی یا طبرسی در ذیل آیه ای که ذکر شد این روایت رو میاره: «عیاشی با استنادی که از حضرت رضا علیه السلام می کند روایت کرده راوی از حضرتش سؤال کرد که آیا خدای پاک و منزله چیزی را که نخواست و اراده می موجود شدن آن را نکرده، می داند؟ و آیا هر چه واقع شود می داند چگونه واقع خواهد شد؟»  
اون چیزی که واقع نشه می داند اون رو؟  
و اون چیزی که واقع می شه می دونه اون چیز چگونه واقع می شه؟  
فرمود: آیا در قرآن نخوانده ای؟

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾

﴿لَوْ﴾ اگه بود؛

﴿فِيهِمَا﴾ یعنی در آسمان و زمین؛

﴿الِهَةٌ﴾ یعنی الهه هایی غیر از الله

﴿لَفَسَدَتَا﴾ فساد پیش می اومد، نابودی پیش می اومد؛ که

گاهی اوقات از این آیه استفاده کردن به عنوان برهان تمنع در اثبات یکتایی پروردگار.



تا اینکه می‌فرماید خدا از اشقیای حکایت می‌کند که گفتند:  
 ﴿رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ  
 قَائِلُهَا﴾

در سوره‌ی مبارکه‌ی مؤمنون آیه‌ی ۹۹ و ۱۰۰ این آیه رو حضرت رضا  
 علیه‌السلام می‌خونن. پروردگار من! مرا بازگردانید شاید در آنچه ترك  
 کردم عمل صالحی انجام دهم، ولی خطاب می‌رسه به اون گنهگار، به  
 اون مشرك، که چنین نیست این سخنی‌ست که او به زبان می‌گوید  
 و پشت سر آنان برزخی‌ست تا زمانی که برانگیخته شوند! بعد  
 حضرت می‌فرمایند:

وَ قَالَ

﴿وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾

ترجمه‌ی این آیه به این صورت هست که (سوره‌ی مبارکه‌ی انعام آیه‌ی  
 ۲۸) و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آنها نهی شده بود باز  
 می‌گردند، آنها دروغ‌گویانند. می‌گه اینقدر در دنیا گناه کرده، در شرك  
 و آلودگی فرو رفته، خبث تمام وجودش رو فرا گرفته، اون دنیا عذاب  
 رو می‌بینه، می‌گه من برمی‌گردم!

ولی اگه برگرده دوباره همون روال قبلی رو پیش می‌بره، با توجه به  
 اینکه اون دنیا رو دیده!



یعنی به این مرحله رسیده! اون جا رو دیده ولی دوباره اگر برگرده همون روال رو پیش می‌بره! بعضی گفتن خب بین کسانی که خالدین فیها هستن، یعنی خبث ذاتی دیگه وجودشون رو فرا گرفته، جز این گروه هستن! یعنی این‌ها اگه بخوان برگردن دوباره همون هست، لذا تا ابد باید در عذاب باشن!

بعد حضرت می‌فرمایند:

﴿قَدْ عَلِمَ شَيْءٌ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لَوْ كَانَ كَيْفَ كَانَ يَكُونُ وَ هُوَ

السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ الْعَلِيمُ﴾

می‌فرمایند پس آنچه را که نبوده دانسته، اگر بود می‌شد چگونه می‌بود؟ سؤال می‌کنن از حضرت رضا علیه‌السلام اون چیزی که اراده نکرده رو خدا می‌داند؟ یعنی با این آیه می‌داند؛ چطور؟ می‌گه افرادی هستن که این‌ها در گناه غرق هستن، در آلودگی غرقند، این‌ها مُردن! خدا می‌دانه، امر نکرده این تعلق پیدا بکنه این‌ها برگردنند ها! اما خدا می‌دانه اگه برگردن این‌ها همون خواهند بود! پس چیزی که اراده نکرده رو می‌دانه.



«خلاصه کسانی که در دنیا شقی و بدکار بودند، پس از مردن تقاضا نمودند برای جبران عمل گذشته به دنیا برگردند و خدا می دانست اگر به دنیا برگردند، همان اعمالی که داشتند خواهند داشت و آنها را رد فرمود. بنابراین مفاد تفسیر آیه این است - ربطی به رجعت ندارد - این اشخاص که برای جبران عمل، تقاضای برگشت کردند و خدا می داند که دروغ می گویند».

می گه بذار من برگردم کار خوب انجام بدم، خدا می گه دروغ می گن؛ نگاه کنید اون قسمت آخر آیه چیه؟

﴿وَأِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾

و دروغ می گن و جبران هم نخواهند کرد، دوباره همون کارهای

قبلی شون انجام می دن!

«لذا تقاضای آنها را رد کرد؛ چه ربطی به مسئلهی رجعت که محل کلام ماست دارد؟»